یادداشتهای سفر پاکستان

نفیسی، ابوتراب

مصاحبه‏های من با رادیو پاکستان در طی اقامت‏ ما رادیوی پاکستان با نمایندگان کشورهای‏ شرکت کننده مصاحبه‏هائی به عمل آورد و از آن جمله با اینجانب نیز سه مرتبه یکی در لاهور دومی در تنگه خبیر و سومی در کراچی بود که‏ آخرین آن در(بخش فارسی رادیوی پاکستان) منتشر شد.دو تای اولی به زبان انگلیسی و سومی فارسی بود.موضوعات بیشتر در اطراف‏ تشکر از مهمان‏نوازی مردم و دولت پاکستان‏ و اسلامی بودن پاکستان و مفید بودن ملاقاتها و تبادل آراء در کنگره دور می‏زد.

حرکت بسوی آزاد کشمیر

روز سه‏شنبه نهم مارچ برای‏"حرکت به‏ آزاد"کشمیر"که قسمت پاکستانی استان کشمیر و جامو"است رفتیم.قسمت اعظم کشمیر زیر نفوذ هند است و بوسیله شیخ عبد الله اداره‏ می‏شود این شیخ همان کسی است که ویرا سابقا شیر کشمیر"لقب داده بودند و 15 سال در حبس هندیان بوده و اخیرا آزاد شده و گویا ویرا راضی به تغییر عقیده کرده‏اند زیرا در ابتدا طرفدار مراجعه به آراء عمومی برای‏ استقلال کشمیر و فعلا بعنوان یک حاکم‏ دست نشانده هندوستان منصوب شده است.

برای این سفر ابتدا بایستی با هواپیما از لاهور به اسلام‏آباد رفته و از آنجا با اتوبوس‏ یا اتوموبیل به سوی مقصد روانه شویم-چون‏ حرکت ما از لاهور مصادف با تشریف‏فرمائی‏ شاهنشاه آریامهر از کراچی،بسوی لاهور بود مدتی با الاجبار در فرودگاه توقف کردیم.

ناگفته نماند که در همان موقع که بسمت‏ فرودگاه می‏رفتیم شعارهای بسیاری مبنی بر- خیر مقدم به مهمان گرامی پاکستان از طرف‏ طبقات مختلف به چشم میخورد و از آن جمله‏ مصرع شعر معروف رودکی‏"شاه سویت میهمان آید همی‏"

وصفوف دانش‏آموزان و دیگر مردم در طرفین جاده گل بدست منتظر این تشریف‏ فرمائی بودند و در ضمن موقع رد شدن اتومبیلهای‏ حامل ما برای شرکت‏کنندگان در کنگره‏ اسلامی ابراز احساسات می‏کردند.

جائی که عدالت و تساوی اسلامی بهم‏ میخورد

البته اسباب شگفتی خواهد بود اگر این‏ نکته را بیاد آوریم که در یک کنگرهء جهانی‏ که برای بحث دربارهء سیرت و رفتار رسول‏ اکرم(ص)تشکیل شده است برخلاف سیرت‏ آن بزرگ مرد در تهیه وسائل نقلیه خاصه‏ خرجی به عمل آمده باشد زیرا برای وزراء و رجال مهم مانند"شیخ الازهرا"و امام حرمین‏" اتومبیلهای سواری اختصاصی که گاهی فقط یک سرنشین داشت تهیه دیده بودند و برای بقیه‏ امثال ماها،اتوبوس و مسلما بما مسافرین‏ اتوبوس از لحاظ آمیزش بیشتر با یکدیگر بسیار خوش‏تر گذشت.ناگفته پیداست که این‏ تبعیض بیشتر نوعی اجبار سیاسی و رفتار دیپلماتیک بوده است و جا داشت خود آن‏ برگزیدگان از این تکروی استقبال نمی‏کردند و عملا هم چند تائی از آنها این کار را کردند، شاید هم دلائل دیگری داشت که بر ما معلوم‏ نبود.

این موضوع مرا بیاد مسافرتی انداخت‏ که در چندسال قبل با گروهی از نمایندگان‏ دانشگاهای مختلف جهان از طرف سازمان‏ بهداشت جهانی به روسیه،این کشور سوسیالیست،کرده بودیم در آنجا هم نیز گر چه در هواپیماها درجه یک و دوی معمول در سایر کشورها وجود نداشت ولی در مسافرتها با اتومبیل یکی دو اتومبیل سواری در اختیار شرکت‏ کنندگان گذاشته بودند که معمولا در آن‏ صاحب منصبان عالیرتبهء میهمان جای می- گزیدند و بقیه با اتوبوس مسافرت می‏کردند. و ما به شوخی اتوبوس خود را اتوبوس طبقه‏ پرولتاریا نام نهاده بودیم.

در سر حد کشمیر شهر مهم کشمیر آزاد بنام‏ مظفرآباد است ولی اینجا که ما رفتیم مانگله‏ است که در سر حد کشمیر و پنجاب واقع است.

راه پر فراز نشیب و فراز و درختان جنگلی‏ و گاهی اوقات مزارع و تغییرات ژئولوژیک‏ بسیار و جالب شبیه تغییراتی که در اثر عوامل‏ طبیعی چون زلزله و فرو رفتن زمین یا آتشفشان‏ و غیره بوجود می‏آید و بعضی جاها نیز اثرات‏ سیل وجود داشت.

از جاهائیکه گذشتیم یکی شهر"دینا" Dina و دیگری ایالت‏"جهلوم‏"و بعد رودخانه جهلوم و بعد سد مانگله که می‏گویند بزرگترین سد خاکی دنیاست و مرکز آب و برق‏ است و بر روی مرتفعترین قله یک تپه مشرف‏ به آن قلعه‏ای وجود دارد که از آثار انگلیسیان‏ است و در آن رستوران و چادر بود که ما بدانجا وارد شدیم البته با سه ساعت تأخیر یعنی ناهار سرد شده را در ساعت 5 بعد از ظهر خوردیم‏ هوا بسیار مطبوع تا حدودی سرد.جوجه‏ کباب که آنرا باصطلاح هندی‏"تندروی‏"می-